

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

نور درخشنده فدا

حضرت امام رضا علیه السلام

۶ آبان ۱۳۸۸

۹ ذی القعدة ۱۴۳۰

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

« اللهم صل على علي بن موسى الرضا المرتضى ، الإمام التقي التقي ، وحيّتك على من فوق الأرض ومن تحت الثرى ، الصديق الشهيد ، صلوة كثيرة تامة زاكية متواصلة متواترة مترادفة ، كأفضل ما صلّيت على أحد من أوليائك »^(۱) .

بارالها! درود و رحمت فرست بر علی بن موسی الرضا، پیشوای پسندیده، پارسا، منزّه و حیّت تو بر همه کسانی که روی زمین و زیر خاک هستند. آن پیشوای بسیار راستگو و شهید؛ درود و رحمتی فراوان و کامل و با برکت و متصل، پیایی و دنبال هم، همچو بهترین رحمتی که بر یکی از اولیائت فرستادی.

این ایام و لیالی که متبرک به عطر دل انگیز ولادت حضرت امام رضا علیه السلام است، بسیار با عظمت و نورانی می باشد. این تبرک و نورانیت زمان ولادت امام علیه السلام نیز از آن جهت است که ظرف در بسیاری از موارد، عظمت و نورانیت خود را از مظلوف، کسب می کند. در شریعت و آیین اسلام، نمونه های دیگری نیز از متبرک شدن ایام وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱- مفاتیح الجنان، زیارت امام رضا علیه السلام.

شب پر فضیلت قدر به دلیل اینکه ظرف زمانی نزول قرآن کریم است، دارای فضائل بی همتا و بی شماری می‌باشد. خداوند متعال در سوره قدر می‌فرماید:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ * تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾^(۱).

ما آن [قرآن] را در شب قدر نازل کردیم * و توجه می‌دانی شب قدر چیست؟! * شب قدر بهتر از هزار ماه است * فرشتگان و روح در آن شب به اذن پروردگارشان برای (تقدیر) هر کاری نازل می‌شوند * شبی است سرشار از سلامت (و برکت و رحمت) تا طلوع سپیده.

هم‌چنین برای شب نیمه شعبان که مصادف با ولادت حضرت امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) می‌باشد، فضائل و اعمال بسیاری وارد شده است. یکی از آن اعمال خواندن دعایی است که به منزله زیارت امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) می‌باشد. در ابتدای این دعا می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا وَمَوْلُودِهَا وَحِجَّتِكَ وَمَوْعُودِهَا الَّتِي قَرَنْتَ إِلَيَّ فَضْلَهَا فَضلاً...»^(۲):

خدایا! به حق این شب نیمه شعبان و مولود این شب و حجّت موعود، شبی که فضلی دیگر بر مقام فضیلتش افزودی....

در روایتی موثقه، حضرت امام صادق علیه السلام بر متبرک و نورانی بودن این ایام تأکید می‌کنند و چنین می‌فرمایند:

۱- سوره قدر، آیات ۵-۱.

۲- مفاتیح الجنان، اعمال نیمه شعبان.

« إنَّ في اللَّيْلَةِ الَّتِي يُولَدُ فِيهَا الإِمَامُ عَلِيٌّ لا يُولَدُ مَوْلُودٌ إِلا كان مُؤمِناً ،
وإن ولد في أرض الشُّركِ نقله اللهُ إلى الإيمان ببركة الإِمَامِ عَلِيٍّ »^(۱).

اگر در شبی که امام عَلِيٌّ متولد می شود، فرزندی متولد شود مؤمن خواهد بود. و اگر او در سرزمین کفر به دنیا آمد خداوند متعال به برکت امام عَلِيٌّ او را به جمع مؤمنین ملحق می فرماید.

از دیگر ایام مقدّس و نورانی، ولادت رسول خدا ﷺ می باشد که همراه با این تولّد فرخنده، تمام مظاهر شرک و بت پرستی فرو ریخت. به یمن تولد امامان معصوم عَلِيٍّ، ایام و لیالی ولادت آن بزرگواران، شریف و عظیم می گردند، به طوری که می توان به این ایام قسم یاد کرد و از این رو دارای فضائل و برکات بی شماری می شوند.

شیعیان در این ایام و لیالی، با چراغانی و تزیین کردن خیابان ها و کوچه ها و توزیع انواع شیرینی و شربت، به سرور و شادمانی می پردازند، و پاسخ آن ها از دلیل این افعال، تنها و تنها جشن و سرور برای ولادت امام عَلِيٌّ می باشد. اما غفلت از اصل موضوع مسأله ای بسیار مهم است. این غفلت ها باعث می شود انسان از درک فضائل و اسرار آن لیالی و ایام بی بهره بماند و هرگز نتواند معنی و مفهوم امامت را کاملاً دریابد. می توان گفت، انسان ها از درک صحیح و عمیق مفهوم امامت، عاجز می باشند و یا فقط قطره ای از اقیانوس بی کران امامت را فهمیده اند. از طرفی هم باید گفت هر کسی در مقام تعریف امامت برآمده است، تنها قدر و منزلت خود را آشکار نموده است و گرنه این معنا به حدّی بلند است که عقول بشر را راهی برای رسیدن به آن نخواهد بود.

۱- بحار الأنوار، جلد ۲۵ صفحه ۳۷.

در مورد امامت دو پرسش اساسی وجود دارد، ۱. امامت چیست؟ ۲. امام کیست؟ در جلسات ابتدایی سیری در آیات امامت و ولایت، در حدّ توان به بررسی موضوع و پاسخ این دو پرسش اساسی پرداختیم. در این مقام نیز به مناسبت ولادت با سعادت حضرت امام رضا علیه السلام نکاتی از آن مباحث را جهت یادآوری تکرار می‌کنیم.

جایگاه ولایت مقام امامت

در باره حضرت ابراهیم علیه السلام آیات متعددی در قرآن ذکر شده است که با توجه به آن آیات، به بررسی مسئله هدایت و جایگاه آن خواهیم پرداخت. پس از پیروزی حضرت ابراهیم علیه السلام در امتحانات متعدّد الهی، خداوند متعال او را به مقام امامت مبعوث کرد. آیاتی که در ذیل خواهد آمد به طور خاص، به موضوع امامت می‌پردازد. به کارگیری لفظ امام و شواهد دیگری که در ادامه ذکر خواهد شد، نشان دهنده تفاوت و برتری مقام امامت در مقایسه با دیگر مقامات، هم چون رسالت و نبوت می‌باشد.

خداوند متعال زمانی از ارتقای حضرت ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام به قلّه امامت سخن می‌گوید، که سه منزل عبودیت، نبوت و رسالت را طی کرده است و به مقام خُلت و دوستی، نائل شده است. خداوند پس از طی این مراحل به ایشان می‌فرماید: ﴿إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾.

برای اثبات تفاوت و افضلیت مقام امامت از این آیه شریف بهره می‌جویم:

﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ۗ قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾^(۱).

۱- سوره بقره، آیه ۱۲۴.

به خاطر آورید، هنگامی که خداوند ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود و او به خوبی از عهده این آزمایش‌ها برآمد، خداوند به او فرمود: من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم. ابراهیم عرض کرد: از دودمان من نیز امامانی قرار بده؛ خداوند فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد، (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقام‌اند).

حضرت ابراهیم علیه السلام در آخرین مرحله از سیر تکاملی خود و بعد از موفقیت در تمام امتحانات الهی، به مقام امامت رسید. و این امر باعث شد که منصب امامت در چشم او بسیار مهم و عظیم جلوه کند؛ به همین دلیل این مقام را از خداوند برای فرزندانش طلب نمود که امام صادق علیه السلام در این رابطه می‌فرماید:

«ومن عظمها فی عین ابراهیم قال ومن ذریّتی»^(۱).

به دلیل عظمت مقام امامت، ابراهیم آن را از خداوند برای فرزندانش طلب نمود.

بنابر این با توجه به مطالب ذکر شده، می‌توان به این نتیجه رسید که جایگاه امامت، رفعت و عظمتی بسیار والا دارد، به طوری که خداوند متعال از آن به عنوان «عهد الله» نام می‌برد. عهدی که خدایی شد و متعلق باری تعالی نام گرفت، از دسترس عقول ناقص بشر دور خواهد ماند. پس تنها کسانی که می‌توانند امامت و جایگاه آن را تبیین و تشریح نمایند، ائمه اطهار علیهم السلام می‌باشند. در این مقام و به مناسبت ایام ولادت سراسر نور حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، به روایتی پرمعنا و زیبا از ایشان استناد می‌جوئیم؛ یکی از اصحاب حضرت امام رضا علیه السلام می‌گوید: در مرو جلسه‌ای برگزار شده بود و سخن از ائمه

اطهار علیهم السلام و مقام و جایگاه آنان به میان آمد. هر کس در این باره سخنی می‌گفت. پس از جلسه، خدمت حضرت امام رضا علیه السلام شرفیاب گشتم و نظر ایشان را جویا شدم. امام علیه السلام فرمودند:

« جهل القوم و خدعوا عن آرائهم ... انّ الإمامة أجلّ قدراً و أعظم شأناً و أعلا مكاناً و أمتع جانباً و أبعد غوراً من أن يبلغها الناس بعقولهم أو ينالوها بآرائهم أو يقيموا إماماً باختيارهم ... الإمام كالشمس الطالعة المجلّلة بنورها للعالم وهي في الافق بحيث لا تنالها الأيدي والأبصار ... الإمام واحد دهره لا يدانيه أحد»^(۱).

آنان به مقام امام جاهل هستند و نظراتشان اشتباه است ... جایگاه و منصب امامت بزرگتر، جلیل‌تر، عمیق‌تر، سنگین‌تر و غیر قابل دسترس‌تر از آن است که عده‌ای با اندیشه و افکار و آرای خودشان راجع به آن سخن بگویند و امام انتخاب نمایند ... امام همانند آفتابی است که جهان را روشن کرده و نورافشانی می‌کند و کسی امکان دسترسی به آن را ندارد ... امام یگانه روزگاران است و کسی توان و یارای نزدیک شدن به او را ندارد.

با دقت و تأمل در این روایت شریف و زیبا، به نکاتی مهم و دقیق پی می‌بریم که به توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

نکاتی در بیان جایگاه لجّه علیهم السلام

الف. امام علیه السلام برگزیده خداوند است.

در فرازی از روایت، امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

۱- کافی، جلد ۱ صفحه ۱۹۸.

«أَوْ يقيموا إماماً باختيارهم» .

مردم نمی توانند امامی به اختیار خود انتخاب نمایند .

این مطلب در قرآن کریم نیز مورد تأکید قرار گرفته است، زیرا خداوند می فرماید: ما منصب و مقام امامت را جعل کردیم و به برگزیدگانمان اعطاء می کنیم. این منصب، مقام «اصطفاء واجتباء» می باشد. این تعبیر و مشتقات آن، فراوان در قرآن به کار رفته است، مانند:

﴿اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا﴾^(۱) .

ما او را در دنیا برگزیده ایم .

﴿فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ﴾^(۲) .

پروردگارش او را برگزید .

انتخاب و گزینش افرادی که شایستگی امامت دارند، به دست خداوند است. خداوند متعال در میان مخلوقات، برگزیدگانی دارد که امر مهم رهبری و هدایت جامعه را به عهده آنان گذارده است. امام علیه السلام با اتصال به سرچشمه بی کران دانش، وظیفه تبیین معارف را نیز به عهده دارد. در واقع سعادت هر فرد و جامعه‌ای در گرو عمل به معارف الهی است و این مهم (معارف الهی) توسط امام علیه السلام در اختیار انسان قرار می گیرد. براین اساس اگر هیچ دلیل عقلی و نقلی برای انتخاب امام علیه السلام از طرف خداوند نبود، خطیر و حیاتی بودن این امر - که به طور مستقیم با سرنوشت ابدی بشریت مرتبط است - برای اثبات مدعا کافی است. در آیات دیگر نیز خداوند بر گزینش نوع خاص از مخلوقات تأکید می کند و می فرماید:

۱- سوره بقره، آیه ۱۳۰ .

۲- سوره قلم، آیه ۵۰ .

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾^(۱).

به راستی فرزندان آدم را گرامی داشتیم.

خداوند متعال از تمام موجودات و مخلوقات، انسانها را برگزید و به آنان کرامت بخشید و سپس از میان آنان، افرادی را برای هدایت تمام مخلوقات برگزید. خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾^(۲).

خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید.

ب. امام علیه السلام مانند آفتاب است

یکی از تشبیهات و نکات ظریفی که امام علیه السلام در این روایت جالب بیان فرموده‌اند، چنین است: «الإمام كالشمس الطالعة»^(۳) ایشان علیه السلام امام را به آفتاب تشبیه می‌نمایند. آفتابی که به همه عالم می‌تابد و تمام مخلوقات از نور و حرارت آن بهره‌مند می‌گردند. تابش آفتاب چه آثار و ثمراتی برای موجودات دارد و آدمیان چه بهره و حظی از آن می‌برند؟ در توضیح مطلب به روایتی از امام صادق علیه السلام تمسک می‌جوئیم که می‌فرماید:

«الناس معادن كمعادن الذهب والفضة»^(۴).

انسانها همانند معادن طلا و نقره هستند.

همان‌گونه که میان معادن از نظر ارزش مادی تفاوت وجود دارد، بین انسانها

۱-سوره اسراء، آیه ۷۰.

۲-سوره آل عمران، آیه ۳۳.

۳- امام همانند آفتاب تابنده است.

۴- کافی، جلد ۸ صفحه ۱۷۷.

نیز از نظر دارا بودن ارزشها و کرامت‌های اخلاقی اختلاف دیده می‌شود. در این بین هر کس وجود خویش را بیشتر در معرض تابش خورشید ولایت و امامت قرار دهد و نسبت به اطاعت از دستورات امام علیه السلام، خضوع افزونتری داشته باشد، ارزش بیشتری خواهد یافت. محبت به امام علیه السلام و فرمانبرداری از ایشان، انسان را همچون طلای خالص پر قیمت و ارزشمند می‌سازد.

سالها باید که تا یک سنگ اصلی زآفتاب

لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن

اگر تابش نور ولایت و امامت، ارواح انسانها را نوازش کند و بر قلبها بتابد، اندرون انسانها همچون گوهری تابناک می‌گردد. انسان‌هایی که در معرض تابش نور ولایت قرار نگرفته‌اند. همان سنگ‌های بی ارزشی هستند که مورد توجه قرار نمی‌گیرند. اما کسانی که در معرض نور ولایت قرار گرفتند همچون گوهرهای درخشان و گران قیمت در سرتاسر تاریخ می‌درخشند. افرادی مانند مالک اشتر، زهیر بن قین، ابوذر، سلمان فارسی و دیگر صحابه حضرت معصومین علیهم السلام و افراد دیگری که در عصر غیبت حضرت بقیه الله (عجل الله فرجه الشریف) خود را در معرض نور و تابش خورشید ولایت قرار می‌دهند، از جمله این افراد هستند.

ج: امام علیه السلام یگانه دهر است.

در قسمتی دیگر از روایت، حضرت امام رضا علیه السلام تعبیر زیبایی در مورد امام علیه السلام به این بیان دارند:

«الإمام واحد دهره لا یدانیه أحد» .

امام یگانه روزگار است و هیچ کس به ایشان نزدیک نمی‌شود [توانایی نزدیک شدن به مقام ایشان را ندارد].

«عالم آل محمد»؛ لقب اختصاصی امام رضا علیه السلام

گوینده این روایت که در تبیین جایگاه امامت ذکر گردید، شخص معمولی نیست، بلکه امام و رهبری است که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نام ایشان را می شنود دستور می دهد سه مرتبه صلوات و درود خداوند متعال همراه نام ایشان برده شود. راوی می گوید:

«رأى رجل من الصالحين فيما يرى النَّائم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فقال: يا رسول الله من أزور من أولادك؟ فقال: إنَّ من أولادي من أتاني مسموماً وإنَّ من أولادي من أتاني مقتولاً، قال: فقلت له من أزور منهم يا رسول الله مع تشئت مشاهدم أو قال أما كنهم؟ قال: من هو أقرب منك يعني بالمجاورة وهو مدفون بأرض الغربة قال: قلت يا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تعنى الرضا علیه السلام؟ فقال صلی الله علیه و آله و سلم: قل صلى الله عليه ثلاثاً»^(۱).

مردی نیکوکار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب دید. پس عرض کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم! کدام یک از فرزندان شما را زیارت کنم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: همانا تعدادی از فرزندان من در حالی مسموم شده اند نزد من می آیند و بعضی هم (در میدان جنگ و با شمشیر) کشته می شوند. می گوید، عرض کردم: پس کدام را زیارت کنم با اینکه مزار و قبور آنان پراکنده می باشد؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: کسی که در نزدیکی و همسایه تو می باشد و او کسی است که در زمین غربت مدفون شده است.

۱- عیون أخبار الرضا، جلد ۱ صفحه ۳۱۴.

عرض کردم ای رسول خدا ﷺ! آیا منظور شما امام رضا علیه السلام است؟ پس رسول خدا ﷺ فرمودند: سه مرتبه بگو صلوات و درود خداوند متعال بر او باد.

به طور یقین چنین احترام و تکریم‌هایی - آن هم از جانب خاتم انبیاء، رسول خدا ﷺ - از برای کسی است که دارای مقامات علمی و معنوی والایی باشد. در این باره روایات متعددی به معرفی شخصیت علمی و معرفی امام رضا علیه السلام پرداخته‌اند.

در مباحث گذشته (جلسات پرشمار امامت و ولایت) این نکته به اثبات رسید که رسول خدا ﷺ و ائمه هدی علیهم السلام از اسرار وجود و آفرینش آگاه بوده و دارای علم لدنی می‌باشند. همچنین همگی شاهدان برخلق بوده و به اذن الهی بر تکوین و تشریح عالم امکان سیطره دارند. شاهد بر ادعای ما آیات فراوان قرآن کریم است که در این مقام به دو آیه اشاره می‌کنیم:

۱. ﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾^(۱).

(به یاد آورید) روزی را که از هر امتی، گواه از خودشان بر آنها برمی‌انگیزیم، و تو را گواه بر آنان قرار می‌دهیم و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است.

۲. ﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي

۱- سوره نحل، آیه ۸۹.

وَيُنِّكُم مِّنْ عِنْدِهِ عِلْمَ الْكِتَابِ ﴿١﴾ .

آنها که کافر شدند می گویند: تو پیامبر نیستی . بگو: کافی است که خداوند، و کسی که علم کتاب نزد اوست میان من و شما گواه باشند . این آیات بیانگر این هستند که قرآن نازل شده بر پیامبر ﷺ جامع همه مسائل می باشد و تنها امامان علیهم السلام هستند که به همه اشیا و اسرار آن آگاهی دارند؛ زیرا مفسرین طبق روایات فراوان ﴿وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾ را به ائمه علیهم السلام تفسیر نموده اند .
برای توضیح بیشتر اکنون به یک روایت درباره وسعت علم امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره می کنیم :

خداوند متعال در قرآن می فرماید :

﴿إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾ ﴿٢﴾ .

به یقین ما مردگان را زنده می کنیم و آن چه را از پیش فرستاده اند و تمام آثار آنها را می نویسیم . و همه چیز را در امامی روشنگر بر شمرده ایم .

امام باقر علیه السلام نیز در تفسیر «امام مبین» از پدران بزرگوارشان نقل می نمایند :
«لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَامَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ مِنْ مَجْلِسِهِمَا فَقَالَا : يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ هُوَ التَّوْرَةُ ؟ قَالَ : لَا . قَالَا : فَهُوَ الْإِنْجِيلُ ؟ قَالَ : لَا . قَالَا : فَهُوَ الْقُرْآنُ ؟ قَالَ : لَا ؛

۱- سوره رعد، آیه ۴۳ .

۲- سوره یس، آیه ۱۲ .

هنگامی که این آیه نازل شد عمر و ابوبکر از جای برخاستند و عرض کردند: ای رسول خدا ﷺ! آیا مقصود از کتاب مبین، تورات است؟ پیامبر ﷺ فرمودند: خیر، عرض کردند: آیا مقصود از آن انجیل است؟ پیامبر ﷺ فرمودند: خیر، عرض کردند: بنابر این منظور از آن قرآن است؟ پیامبر ﷺ فرمودند: خیر. قال: فأقبل أمير المؤمنين علي بن أبي طالب فقال رسول الله ﷺ: هو هذا إنه الإمام الذي أحصى الله تبارك و تعالی فيه علم كل شيء»^(۱).

امام علیؑ فرمودند: در این هنگام امیرالمؤمنین علیؑ وارد شدند. سپس رسول الله ﷺ فرمودند: او امام مبین است که خداوند متعال تمام علوم را در او گرد آورده است.

در روایتی دیگر عمّار یاسر می‌گوید:

«كنت عند أمير المؤمنين عليّ ابن أبي طالب عليّ في بعض غزواته فمررنا بواد مملوء نملا؛ فقلت: يا أمير المؤمنين عليّ تری يكون أحد من خلق الله تعالى يعلم عدد هذا النمل؟ قال: نعم يا عمّار أنا أعرف رجلاً يعلم عدده وكم فيه من ذكر وكم فيه أنثى؛

در یکی از جنگها همراه امیرالمؤمنین علیؑ بودم. با ایشان از بیابانی که پر از مورچه بود، عبور کردیم. از امیرالمؤمنین علیؑ پرسیدم: آیا کسی از مخلوقات را می‌شناسید که تعداد این مورچگان را بداند؟ امیرالمؤمنین علیؑ فرمودند: آری، ای عمّار! من مردی را می‌شناسم که تعداد مورچگان و تعداد نر و ماده آنها را می‌داند.

۱- تفسیر برهان، جلد ۴ صفحه ۶ و اثبات الهداة، جلد ۳ صفحه ۳۹ و از منابع اهل سنت بنگرید به: ینابیع المودّة، جلد ۱ صفحه ۲۳۰.

فقلت: من ذلك الرجل يا مولاي؟ فقال: يا عمار! ما قرأت في سورة يس ﴿وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾؛ فقلت: بلى يا أمير المؤمنين. فقال: أنا ذلك الإمام المبین»^(۱).

عرض کردم: ای مولای من! آن مرد کیست؟ حضرت علیه السلام فرمودند: ای عمار! آیا در سوره یاسین نخوانده‌ای «همه چیز را در امامی مبین گرد آورده‌ایم»؟ عرض کردم: آری خوانده‌ام. ایشان علیه السلام فرمودند: آن امام مبین من هستم.

در مدّت چند سالی (چهار سال و چند ماه) که حکومت و خلافت در دست حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بود، ایشان توانستند با استفاده از فضای موجود، علوم نهفته در سینه خود را در حدّ استعداد مردم نشر دهند، ولی چون گیرنده قابل و با ظرفیتی را برای انتقال علوم خود نمی‌یافتند، سر در چاه‌های نخلستان کوفه کرده و در آنجا مشغول راز و نیاز می‌شدند. و فرمودند:

«إِنَّ هَمْنَا لَعَلْمَا جَمًّا لَوْ وَجَدتْ لَه حَمَلَةٌ»^(۲).

همانا علوم فراوانی در سینه من نهفته است، اگر ظرف مناسبی می‌یافتم علوم خود را به او انتقال می‌دادم.

در زمان حضرت امام صادق علیه السلام، هنگامی که بین بنی مروان و بنی عباس، درگیری و جنگ بر سر حکومت بالا گرفت، ایشان توانستند بهترین بهره را ببرند و حدود چهار هزار شاگرد تربیت نمایند و بدین وسیله علوم فقهی و معارف زیادی را برای تمامی نسل‌ها به یادگار بگذارند.

۱- بحار الأنوار، جلد ۴۰ صفحه ۱۷۶ و تفسیر البرهان، جلد ۴ صفحه ۷ و از منابع اهل سنت بنگرید به: کنز العمال، جلد ۱ صفحه ۲۳۰.
۲- بحار الأنوار، جلد ۶۵ صفحه ۲۲۴.

امام رضا علیه السلام نیز که حدود دو سال عنوان ولایتعهدی را به اجبار پذیرفتند، در این مدّت توانستند علم و دانش خود را بین مردم رواج دهند؛ به خصوص مجالس مناظره فراوانی که در آن زمان تشکیل شد. رونق وافر بی‌مباحث علمی داده بود. در میان ائمه اطهار علیهم السلام، تنها کسی که به لقب «عالم آل محمد علیهم السلام» ملقب گردیده است، حضرت امام رضا علیه السلام می‌باشند. در روایتی حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام خطاب به فرزندان خود چنین می‌فرماید:

«هذا أخوكم عليّ بن موسى عالم آل محمد فاسألوه عن أديانكم، واحفظوا ما يقول لكم، فإنّي سمعت أبي جعفر بن محمد علیه السلام غير مرّة يقول لي: إنّ عالم آل محمد نفي صلبك، وليتني أدركته، فإنّه سمّي أمير المؤمنين علیه السلام»^(۱)؛

برادر شما علی بن موسی علیه السلام عالم آل محمد علیهم السلام می‌باشد. پس در مورد دین خود از او سؤال کنید و هر چه می‌گوید به خاطر بسپارید (در حفظ آن کوشا باشید). از پدر خود جعفر بن محمد علیه السلام چندین بار شنیدم که به من می‌فرمود: به درستی که عالم آل محمد علیهم السلام در صلب تو می‌باشد و ای کاش من ایشان را درک می‌نمودم. همانا او همانام امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشد.

امام رضا علیه السلام چراغ الهی (سراج الله)

امام رضا علیه السلام، شجره طیبه و امانتی است که خداوند متعال از آن به عهدالله یاد نموده است. عهدی که هر کسی نمی‌تواند به راحتی به آن دست یابد. در کتب

۱- بحار الأنوار، جلد ۴۹ صفحه ۱۰۰.

بحار الأنوار، مناقب ابن شهر آشوب و دلائل الامامة (طبری)، القاب فراوانی همچون: صابر، وفی، رضی، صدیق، فاضل و... برای امام رضا علیه السلام ذکر گردیده است. یکی از لقب‌هایی که اسرار فراوانی در خویش پنهان کرده است، لقب «سراج الله فی خلقه» می‌باشد. در این لقب «سراج» که به معنای چراغ می‌باشد به الله اضافه شده است. در توضیح این مطلب می‌توان گفت که چراغ دارای دو ویژگی می‌باشد: ۱. نور؛ ۲. حرارت و گرما. قرآن کریم نیز دو چیز را سراج می‌نامد:

یک. خورشید. در این باره خداوند متعال می‌فرماید:

﴿تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا﴾^(۱).

جاودان و پربرکت است آن (خدایی) که در آسمان منزلگاه‌هایی برای ستارگان قرار داد؛ و در میان آن، چراغ روشن و ماه تابانی قرار داد.

دو. رسول خدا صلی الله علیه و آله. در این مورد نیز خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا * وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا﴾^(۲).

ای پیامبر! ما تو را گواه و بشارت دهنده و انذارکننده فرستادیم و تو را دعوت‌کننده به سوی فرمان خدا، و چراغی روشنی‌بخش قرار دادیم.

۱-سوره فرقان، آیه ۶۱.

۲-سوره احزاب، آیات ۴۵ و ۴۶.

با بررسی و جمع این دو آیه می‌توان گفت: همان‌گونه که منظومه شمسی و کرات مادی دارای چراغی همچون خورشید می‌باشند - که از آن نور و حرارت کسب می‌کنند - عالم و دنیای انسانیت نیز به چراغی همچون حضرت امام رضا علیه السلام و دیگر امامان علیهم السلام محتاج می‌باشند.

تمامی منظوماتی که در تیررس نگاه ما وجود دارد و در معلومات ما می‌گنجد، از خورشیدی، نور و حرارت کسب می‌کنند؛ حتی در کتابهای حیوان‌شناسی این موضوع به اثبات رسیده است که تعدادی از حیوانات برای تغذیه از نور خورشید استفاده می‌کنند. مثلاً در یکی از آن‌ها آمده است: بزوجه (مارمولک) ساعت‌ها در دامنه کوه‌ها می‌نشیند و در آفتاب خیره می‌شود (در حالی که انسانها با چشم غیر مسلح نمی‌توانند در آفتاب خیره شوند)؛ با تحقیقاتی که صورت گرفت معلوم شد که این حیوان با نگاه در آفتاب، تغذیه می‌کند. این نکات همگی نشان دهنده عظمت و بزرگی دستگاه آفرینش الهی است.

هر موجودی با توجه به استعداد خود می‌تواند از انوار حیات بخش خورشید بهره‌مند شود که در مورد انسان و حیوانات این موضوع کاملاً طبیعی و اثبات شده است تحقیقات بیشتر، بیانگر این است که حتی سنگ‌ها و جمادات نیز برای بقای خود به نور خورشید محتاج هستند.

در مباحث معنوی نیز مسئله به همین صورت می‌باشد؛ یعنی وجود مقدس و نورانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همچون خورشیدی حیات بخش به وجود همه انسان‌ها می‌تابد و هر فردی با توجه به استعداد و ظرفیت وجودی‌اش از آن بهره‌مند می‌شود.

با توجه به مطالب فوق، حضرت امام رضا علیه السلام چراغی معنوی است که به

یکی از اسماء خداوند متعال اضافه شده است. اضافه به دو صورت می‌باشد: ۱. مغیره. ۲. مغلبه. در صورت اول، مضاف با اضافه به مضاف الیه، ماهیت خود را از دست داده و در او انقلابی ماهوی صورت می‌پذیرد ولی در صورت دوم، ذات و ماهیت شیء تغییر نمی‌کند، بلکه صفتی از مضاف الیه کسب کرده و به صفات ذاتی خود می‌افزاید. امام رضا علیه السلام با نائل شدن به مقام امامت و رهبری، برای دیگر انسان‌ها چراغ و سراج می‌باشد؛ یعنی منبعی از نور و حرارت معنوی می‌باشند که تمام انسان‌ها و موجودات از ایشان نور و حرارت کسب می‌کنند.

﴿يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ﴾^(۱).

[آنچنان صاف و خالص است که [نزدیک است بدون تماس با آتش شعله ور شود.

سرّ این پرتوافکنی و نورانیت، اتصال به منبع نور لایزال الهی است که سبب هدایت دیگر موجودات نیز می‌شود.

﴿نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ﴾^(۲).

نوری است بر فراز نوری و خدا هر کس را بخواهد به نور خود هدایت می‌کند.

نکته دیگر در این اضافه آن است که سراج به دیگر اسامی خداوند متعال اضافه نگردیده است، مثلاً سراج العلیم یا سراج الرحمان یا سراج الوهاب و ... گفته نشد. «الله» اسم اعظم خداوند متعال است که مستجمع همه صفات کمالیه، جمالیه و جلالیه می‌باشد و با اضافه شدن سراج به این نام نور رحمانیت،

۱- سوره نور، آیه ۳۵.

۲- سوره نور، آیه ۳۵.

رحیمیت، وهابیت، علمیت و ... خود به خود کسب می‌شود. در اینجاست که عقول همه انسان‌ها و دانشمندان بزرگ همچون بو علی سینا، شیخ انصاری و شیخ طوسی و ... عاجز و درمانده شده و از درک مقام والای امام رضا علیه السلام اظهار عجز و ناتوانی خواهند کرد.

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام منبع فضایل و کمالات اخلاقی

فضایل اخلاقی و نفسانی حضرت امام رضا علیه السلام در روایات فراوانی به چشم می‌خورد. حضرت امام کاظم علیه السلام نیز در موارد متعددی علاوه بر این که بر امامت فرزندان تصریح می‌کنند برخی فضایل و اسرار وجودی ایشان را نیز بر می‌شمرند.

یزید بن سلیط زیدی که یکی از روات موثق و مورد اطمینان می‌باشد،

می‌گوید:

«لقینا أبا عبد الله علیه السلام في طريق مكة ونحن جماعة، فقلت له: بأبي أنت وأمي أنتم الأئمة المطهرون والموت لا يعرى أحد منهم، فأحدث إليّ شيئاً ألقيه إلي من ي خلفني، فقال لي: نعم هؤلاء ولدي وهذا سيدهم - وأشار إلي ابنه موسى علیه السلام - وفيه العلم والحكم والفهم والسخاء والمعرفة بما يحتاج الناس إليه فيما اختلفوا فيه من أمر دينهم، وفيه حسن الخلق وحسن الجوار وهو باب من أبواب الله عز وجل؛

من و همسفرهایم در راه مکه به امام صادق علیه السلام برخورد کردیم؛ من به حضرت عرض کردم: مادر و پدرم فدای شما! شما و

اجدادتان همگی، امام و مطهر هستید، و کسی را از مرگ راه نجات نیست، لطفاً برایم (در مورد امام بعد از خود) مطلبی بفرمایید تا من به فرزندان و اقوام بعد از خودم، بازگویم، حضرت فرمودند: بسیار خوب، اینان فرزندان من هستند و او از همه برتر است - و به فرزندشان حضرت امام موسی کاظم علیه السلام اشاره فرمودند - او دارای علم، حکم و حکمت، فهم و سخاوت است و آنچه را مردم در مسائل مورد اختلاف دینی، بدان نیاز دارند، آگاه است؛ حُسن خلق و حسن همسایگی دارد؛ او دری است از درهای خداوند - عزوجل - .

« و فيه أخرى هي خيرٌ من هذاكله، فقال له أبي: وماهي بأبي أنت وأمي؟ قال: يخرج الله عزوجل منه غوث هذه الأمة وغياتها و علمها و نورها و فهمها و حكمها و خير مولود و خير ناشيء يحقن الله به الدماء، و يصلح به ذات البين، و يلتم به الشعث، و يشعب به الصدع، و يكسو به العاري، و يشبع به الجائع، و يؤمن به الخائف، و ينزل به القطر، و يأتمر به العباد، خير كهل، و خير ناشيء يبشّر به عشيرته قبل أوان حلمه، قوله حكمٌ، و صمته علمٌ، يبين للناس ما يختلفون فيه؛ نکته دیگری در اوست که از همه این موارد برتر است، یزید بن سلیط ادامه داد: پدرم پرسید: پدر و مادرم فدای شما! این نکته که می فرمایید، چیست؟ حضرت فرمودند: خداوند - عزوجل - فریادرس و غیاث این امت را و علم و فهم و نور و حکمت آن را، بهترین نوزاد و بهترین نوجوان را، از او به وجود خواهد آورد،

خداوند متعال توسط این مولود، از قتل و خونریزی جلوگیری می‌کند، رفع اختلافات و اصلاح ذات البین می‌نماید، و پراکندگی و آشفتگی و شکاف را اصلاح فرماید. خداوند توسط او برهنه و گرسنه را می‌پوشاند و سیر می‌کند، خائفین را ایمنی می‌دهد، باران نازل می‌کند، بندگان به واسطه او فرمانبرداری می‌کنند. او بهترین مرد و بهترین جوان است، قبل از بلوغش، به خانواده‌اش بشارت (امامت او) داده می‌شود؛ گفتارش حکمت‌آمیز، و سکوتش از روی علم و آگاهی است، مسائل مورد اختلاف مردم را برای آنها بیان می‌نماید.

« قال : فقال أبي : بأبي أنت وأمي فيكون له ولدٌ بعده ؟ فقال : نعم ، ثم قطع الكلام وقال يزيد : ثم لقيت أبا الحسن - يعني موسى بن جعفر عليه السلام - بعد فقلت له : بأبي أنت وأمي إنني أريد أن تخبرني بمثل ما أخبرني به أبوك ، قال : فقال : كان أبي عليه السلام في زمنٍ ليس هذا مثله ، قال يزيد : فقلت : من يرضى منك بهذا فعليه لعنة الله ، قال : فضحك ، ثم قال : أخبرك يا أبا عمارة إنني خرجت من منزلي فأوصيتُ في الظاهر إلى بني فاشركتهم مع ابني علي ، وأفردته بوصيتي في الباطن ؛

يزید بن سلیط گوید: پدرم سؤال کرد: مادر و پدرم به قربان شما! آیا فرزندی هم دارد؟ حضرت فرمود: بله، و دیگر چیزی نفرمود. سپس یزید گوید: بعد از مدتی حضرت ابوالحسن - یعنی موسی بن جعفر عليه السلام - را ملاقات کردم و به ایشان عرضه داشتم:

پدر و مادرم فدای شما! دوست دارم، همانطور که پدرتان به من (درباره امام بعدی) اطلاعاتی دادند شما نیز چنین کنید» حضرت فرمودند: پدرم در زمانی می زیست که زمان ما آن گونه نیست. یزید گوید: گفتم هر کس به این مقدار از شما بسنده کند، خداوند لعنتش کند! یزید ادامه می دهد: حضرت خندیدند و فرمودند: ای اباعماره! از خانه ام خارج شدم و در ظاهر به تمام پسرانم از جمله «علی» وصیت و سفارش کردم (و در ظاهر همگی را وصی قرار دادم) اما به او در پنهان و جدای از دیگران، وصیت نمودم (او را وصی خود نمودم).

« ولقد رأيت رسول الله ﷺ في المنام وأمير المؤمنين علياً معه ومعه خاتمٌ وسيفٌ وعصاً وكتابٌ وعمامةٌ . فقلت له : ما هذا ؟ فقال : أمّا العمامة فسلطانُ الله تعالى ، وأمّا السيف فعرّة الله عزّوجلّ وأمّا الكتاب فنور الله عزّوجلّ ، وأمّا العصا فقوّة الله عزّوجلّ ، وأمّا الخاتم فجامع هذه الأمور ، ثمّ قال رسول الله ﷺ والأمر يخرج إلى عليّ ابنك ، قال : ثمّ قال : يا يزید أنّها وديعةٌ عندك ، فلا تخبر بها إلاّ عاقلاً أو عبداً امتحن الله قلبه للإيمان أو صادقاً ولا تكفر نعم الله تعالى ، وإن سئلت عن الشهادة فأدّها ، فإنّ الله تبارك وتعالى يقول : ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾^(۱) وقال الله عزّوجلّ : ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ﴾^(۲) .

۱-سوره نساء، آیه ۵۸.

۲-سوره بقره، آیه ۱۴۰.

در خواب رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام را دیدم که به همراه او، یک انگشتری، یک شمشیر، یک عصا، یک کتاب و یک عمامه بود. سؤال کردم: اینها چیست؟ فرمود: عمامه، نشانه سلطنت و قدرت خداوند متعال است، شمشیر، علامت عزت و غلبه الهی است، کتاب نشانه نور خداوند - عزوجل - است. عصا، علامت قوت و نیروی خداوند - عزوجل - و بالاخره انگشتری، در برگیرنده همه این امور است؛ سپس حضرت رسول ﷺ فرمودند: امامت به فرزندان «علی» می رسد، یزید گوید: سپس حضرت به من فرمودند: ای یزید! این مطالب ودیعه و امانت است در نزد تو، پس در مورد این مطالب با هیچ کس صحبت نکن جز با افراد عاقل و یا بنده ای که خداوند قلب او را برای ایمان امتحان نموده است (و او از این امتحان سرفراز بیرون آمده باشد) و نعمتهای الهی را کفران نکن، و اگر از تو گواهی و شهادت خواسته شد، شهادت بده، زیرا خداوند تبارک و تعالی می فرماید: خداوند به شما دستور می دهد که امانتها را به اهلش برسانید و نیز می فرماید: و چه کسی ظالمتر است از کسی که گواهی و شهادت الهی را نزد خود پنهان سازد.

«فقلت: والله ما كنت لأفعل هذا أبداً، قال: ثم قال أبو الحسن علیه السلام: ثم وصفه لي رسول الله ﷺ فقال: عليّ ابنك الذي ينظر بنور الله، ويسمع بتفهيمه، وينطق بحكمته، يصيب ولا يخطيء، ويعلم ولا يجهل، وقد ملئني حكماً وعلماً، وما أقلّ مقامك معه! إنّما هو شيء

كَأَنْ لَمْ يَكُنْ، فَإِذَا رَجَعْتَ مِنْ سَفَرِكَ فَأَصْلِحْ أَمْرَكَ، وَافْرُغْ مِمَّا أَرَدْتَ فَإِنَّكَ مُنْتَقِلٌ عَنْهُ وَمَجَاوِزٌ غَيْرُهُ فَاجْمَعْ وَلَدَكَ وَاشْهَدْ اللَّهُ عَلَيْهِمْ جَمِيعاً، وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً، ثُمَّ قَالَ: يَا يَزِيدُ إِنِّي أَوْخَذَ فِي هَذِهِ السَّنَةِ وَعَلَى ابْنِي سَمِيٍّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَسَمِيٍّ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أُعْطِيَ فَهَمَّ الْأَوَّلُ وَعِلْمَهُ وَنَصْرَهُ وَرِدَاءَهُ، وَلَيْسَ لَهُ أَنْ يَتَكَلَّمَ إِلَّا بَعْدَ هَارُونَ بِأَرْبَعِ سِنِينَ، فَإِذَا مَضَتْ أَرْبَعُ سِنِينَ فَاسْأَلْهُ عَمَّا شِئْتَ يُجِيبُكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى».

گفتم: ابداً این کار را نخواهم کرد، و سپس حضرت امام کاظم علیه السلام فرمودند: آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او صاف او را بر شمردند و فرمودند: علی فرزند تو، کسی است که با نور خداوند نگاه می کند و با تفهیم الهی می شنود و با حکمت او سخن می گوید، همیشه درست و صواب عمل می کند و به خطا نمی رود، می داند و عالم است و جهل در او راه ندارد، لبریز از حکمت و علم است و چه کم با او خواهی بود! آن قدر (کم) است که گویا اصلاً نبوده است، پس وقتی از سفرت بازگشتی امور خود را سر و سامان بده و از خواسته های خود، خود را فارغ البال کن و چشم بپوش، زیرا از آنها جدا خواهی شد و با چیز دیگری مجاور خواهی گشت، لذا فرزندان را جمع کن و خداوند را بر همگی آنها گواه بگیر، و خداوند برای گواه بودن کافی است.

سپس امام کاظم علیه السلام فرمودند: ای یزید! من در این سال وفات خواهم کرد و پسر علی، همانم علی بن ابی طالب علیه السلام و همانم

علی بن الحسین علیه السلام و دارای فهم، علم و شکوه و هیبت امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ و تا چهار سال بعد از هارون، اجازه سخن گفتن ندارد ولی وقتی آن چهار سال گذشت، درباره هرچه می خواهی از او سؤال کن که به خواست خدا به تو پاسخ خواهد داد. جملاتی که در روایت فوق ذکر گردید سرشار از نکات و عبرت‌هایی است که هر کدام می‌تواند انسان را به سرمنزل مقصود یعنی عبودیت نزدیک نماید.

در یکی از جملات این حدیث زیبا چنین خواندیم « یصیب ولا یخطئ »؛ یعنی امام رضا علیه السلام در تمام افعال و اقوال خود، واقع را مدّ نظر داشته و هرگز به خطا و اشتباه گام بر نمی‌دارند. آنچه این جمله را زیبا نموده این است که اثبات و نفی همراه یکدیگر به کار رفته است. نتیجه حاصل شده از این ترکیب آن است که انسان‌ها جایز الخطا می‌باشند و طبق این قانون همان‌گونه که ممکن است انسان به واقع رسیده و طبق آن رفتار نماید، به همان اندازه امکان دارد خطا رفته و از واقع روی بگرداند. اما انسان‌هایی مانند معصومین علیهم السلام که دارای علم لدنی می‌باشند، همیشه واقع را بیان نموده و هرگز در مسیر اشتباه قدم نمی‌گذارند.

می‌دانیم که انسان‌ها به عنایت الهی، دارای ظرفیت و استعداد شگرفی هستند که می‌توانند به انواع علوم و دانش‌ها دست بیابند و بدین وسیله ظرفیت خود را بالا برده و بر معرفت خود بیفزایند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

« منهُمان لا یشبعان طالب علم و طالب دنیا ^(۱)؛

دو گرسنه هستند که هرگز سیر نمی‌شوند: جوینده علم و دانش و جوینده دنیا.

بنابر این روایت، انسان دارای استعداد فوق العاده‌ای است، ظرفیت اشباع ناپذیری در کسب انواع علوم دارد؛ اما تفاوت معصومین علیهم‌السلام با دیگر انسان‌ها در این است که آن بزرگواران به سبب بهره‌گیری از علم لدنی، به واقع‌گرایی محض می‌رسند و از خطا و اشتباه به دورند، ولی انسان‌های معمولی استعداد و ظرفیت ناقصی دارند و هرگز از خطا و اشتباه مصون نمی‌باشند. جوینده علم و دانش هرگز سیر نمی‌شود دائماً مانند افراد گرسنه به دنبال غذای علم و دانش می‌گردد، همان‌گونه که انسان دنیادوست هرگز از ثروت اندوزی سیر نمی‌شود.

نمونه بارز این حالت، نمرود، پادشاه ستمگر زمان حضرت ابراهیم علیه‌السلام است که مرتکب جنایات فراوانی شد. جاه‌طلبی او به حدی بود که ادعا نمود به دنبال فتح کرات و منظومه‌های دیگر می‌باشد^(۱).

آن شنیدستی که در اقصای غور بارسالاری بیفتاد از ستور
گفت چشم تنگ دنیا دوست را یا قناعت پرکند یا خاک گور^(۲)

سخنان ارزنده و راهبردی حضرت امام رضا علیه‌السلام

بعد از شناخت اندک و معرفی در حد استعداد و توان خویش از جایگاه علمی و معنوی حضرت امام رضا علیه‌السلام، بسیار مناسب است شخصیت و اخلاق ایشان را در تمامی ابعاد زندگی، سرلوحه خود قرار دهیم. برای تبیین بیشتر و بهتر اخلاق و منش آن حضرت به حدیثی که از حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام به ما رسیده است، تمسک می‌جوییم. آن محدث و عالم عظیم‌الشأن که در شهر ری مدفون

۱- تاریخ روضة الصفا، جلد ۱ صفحه ۱۲۸.

۲- بوستان سعدی، باب سوم، در فضیلت قناعت.

است، سه امام را درک نموده و با چهار واسطه نسل ایشان به امام حسن مجتبیٰ علیه السلام می‌رسد. آن بزرگوار می‌گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمودند:

« یا عبدالعظیم أبلغ عني أوليائي السّلام ، وقل لهم : أن لا تجعلوا للشيطان على أنفسهم سبيلاً ، ومرهم بالصدق في الحديث ، وأداء الأمانة ، ومرهم بالسكوت وترك الجدل فيما لا يعينهم ، وإقبال بعضهم على بعض ، والمزاورة فان ذلك قربة إلي ولا يشغلوا أنفسهم بتمزيق بعضهم بعضاً ، فأنتي آليت على نفسي أنه من فعل ذلك وأسخط ولياً من أوليائي دعوت الله ليعذبه في الدنيا أشدّ العذاب ، وكان في الآخرة من الخاسرين وعرفهم أن الله قد غفر لمحسنهم ، وتجاوز عن مسيئتهم إلا - من أشرك بي أو آذى ولياً من أوليائي أو أضمر له سوءاً فإن الله لا يغفر له حتى يرجع عنه ، فإن رجع عنه ، وإلا نزع روح الإيمان عن قلبه ، وخرج عن ولايتي ، ولم يكن له نصيب في ولايتنا ، وأعوذ بالله من ذلك »^(۱).

ای عبدالعظیم! سلام من را به دوستانم برسان، و به آنها بگو: برای نفوذ شیطان در قلوب خود راهی قرار ندهند، و آنها را به گفتار راست و امانتداری و سکوت و پرهیز از جدال و نزاع در اموری که به آنها مربوط نیست، امر نما. همچنین آنها را به زیارت و دیدار یکدیگر امر نما، و از آنان بخواه بعضی از آنان ابروی دیگران را نشانه نگیرند، زیرا من بر خود عهد کرده‌ام که اگر کسی مرتکب این عمل شود و یکی از دوستان من را خشمگین کند از

خداوند متعال درخواست می‌نماید او را در دنیا با سخت‌ترین عذاب‌ها مجازات نماید و او را در آخرت از زیانکاران قرار دهد. همچنین به آنان بیاموز که خداوند متعال نیکوکاران را غفران نموده و از گناه آنان چشم پوشی می‌کند مگر سه گروه: کسی که مشرک شود یا کسی از دوستان من را اذیت کند یا نیت بدی در مورد او داشته باشد، همانا خداوند متعال آنها را نمی‌بخشد مگر اینکه از اعمال خود دست بردارند. و اگر از گناه خود برنگردند روح ایمان از قلب آنان خارج می‌شود و از ولایت و سرپرستی من خارج می‌شوند و هیچ بهره‌ای از ولایت ما نمی‌برند و من از چنین شخصی به خداوند پناه می‌برم.

خودآزمایی

- ① حضرت ابراهیم علیه السلام پس از طی کردن چه مراحل به مقام امامت نائل شد؟
- ② چرا حضرت ابراهیم علیه السلام مقام امامت را از خداوند متعال برای فرزندان خود نیز طلب نمود؟
- ③ امام رضا علیه السلام در مورد جایگاه امام چه نکاتی بیان فرمودند؟
- ④ چرا امام رضا علیه السلام امام را چون خورشید توصیف کردند؟
- ⑤ امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «امام مبین» چه فرمودند؟
- ⑥ عمار یاسر در مورد علم امیرالمؤمنین علیه السلام چه واقعه‌ای را نقل می‌کند.
- ⑦ لقب «عالم آل محمد علیهم السلام» به کدام یک از ائمه علیهم السلام اختصاص دارد؟
- ⑧ لقب «سراج الله» دارای چه معنا و مفهومی می‌باشد؟
- ⑨ چرا امامان علیهم السلام مصون از اشتباه هستند؟
- ⑩ امام رضا علیه السلام به حضرت عبدالعظیم علیه السلام چه توصیه‌های کردند؟

یکی از لقب‌هایی که اسرار فراوانی در خویش پنهان کرده است، لقب «سراج الله فی خلقه» می‌باشد. در این لقب «سراج» که به معنای چراغ می‌باشد به الله اضافه شده است. در توضیح این مطلب می‌توان گفت که چراغ دارای دو ویژگی می‌باشد: ۱. نور؛ ۲. حرارت و گرما... همان‌گونه که منظومه شمسی و کرات مادی دارای چراغی همچون خورشید می‌باشند - که از آن نور و حرارت کسب می‌کنند - عالم و دنیای انسانیت نیز به چراغی همچون حضرت امام رضا علیه السلام و دیگر امامان علیهم السلام محتاج می‌باشند.

(صفحه ۱۸ و ۱۹ از همین جزوه)

■ محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت :
ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
■ شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می‌باشد.
■ در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

محل برگزاری جلسات :

کاشان : حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته الله علیه

تلفن : ۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۹۹۳۳ شماره

پست الکترونیک : info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir